



The Institute of Isma'ili Studies

### عنوان: عیسی، مسیحیان و مسیحیت در اندیشه‌ی اخوان الصفا

مؤلف: دکتر عمر علی دی اونثاغا

منبع: مقاله‌ی «اخوان الصفا» در تاریخ کتابنامه‌ای روابط مسلمانان و مسیحیان، جلد دوم (۹۰۰-۱۰۵۰)، ویراسته‌ی دیوید توماس و دیگران (لایدن، نشر بریل، ۲۰۱۰)، تاریخ روابط مسیحی-اسلامی، ۱۴، صص ۳۰۶-۳۱۱. باز نشر این مقاله با اجازه‌ی ناشر صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اخوان الصفا، رسائل، عیسی، مسیحیان، اناجیل، روابط اسلامی-مسیحی.

اسم مستعار اخوان الصفا توسط نویسندگانی به کار برده شد که جز به همین نام شناخته شده نیستند و عصاره‌ای از ۵۲ رساله در زمینه‌های مختلف با عنوان *رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا* (رساله‌های

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

برادران اهل خلوص و دوستان اهل وفا) گردآوردند. تاریخ این رسائل معلوم نیست، اما باید نیمه‌ی قرن ده میلادی به پایان رسیده باشند. ابو حیان توحیدی در ۹۸۰ میلادی این رساله‌ها را به گروهی از روشنفکرانی که مکان اصلی‌شان بصره در نیمه‌ی قرن دهم میلادی بوده است، نسبت می‌دهد، وی نام آن‌ها در کتاب *الإمتاع خود ذکر می‌کند. نظریه‌ی دیگر در باب منشاء رسائل، که مارکویت و همدانی اتخاذ کرده اند، این است که رسائل، یا دست‌کم صورت اولیه‌ی آن‌ها، ریشه در جنبش رهبران اسماعیلی قرن ۹ میلادی دارد که از ظلم و جور عباسیان در سوریه پنهان شده بودند.*

این اثر به ۵۲ رساله تقسیم شده است و در چهار بخش تنظیم گردیده (علوم مقدماتی، شامل ریاضیات، منطق، موسیقی و اخلاق؛ علوم فیزیکی و طبیعی؛ علوم روان‌شناختی و عقلی؛ علوم الهی و دینی). ویراست ۱۹۵۷ بیروت از این رسائل، شامل ۱۹۰۰ صفحه می‌شود. رسائل اخوان الصفا شاید یکی از جالب توجه‌ترین آثار در فرهنگ عربی-اسلامی در باب مسیحیت باشد. رویکرد اخوان الصفا به مسیحیت را می‌بایست در بستر نگاه احترام‌آمیز آن‌ها به همه‌ی ادیان فهمید: برای آنان حقیقت یگانه است و وحی همان مقدار حاوی حقیقت است که فلسفه (هدف هر دو یکی است- تهذیب نفس از امور مادی)، تفاوت‌های میان ادیان، تنها در سطح رویه‌ها و فرهنگ است. اخوان الصفا نبوت را زنجیره‌ای از سازگار ساختن واقعیت باطنی با ادوار متغیر می‌دانستند، با در نظر گرفتن ایده‌ی پیشرفت، هر وحی جدیدی رویه‌ی مناسبی وحی پیشین را نسخ می‌کند، اما جوهر وحی پیشین نسخ نمی‌شود. عناصر، ارجاع‌ها و نقل‌قول‌های مرتبط با مسیحیت در سراسر رسائل پخش است و آن‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: اناجیل، عیسی، مسیحیان و عقائدشان.

**اناجیل:** اخوان الصفا حقیقت کتاب‌های وحیانی پیشین را می‌پذیرند، و در میان کتاب‌های مقدس، انجیل مورد تکریم آنان قرار گرفته است. اخوان الصفا خوانندگان رسائل خود را تشویق می‌کنند که اناجیل را بخوانند، و رسائل نشان از آگاهی سطح بالا و شناخت دقیق آن‌ها از اناجیل دارد، و به نظر می‌رسد که انجیل یوحنا را ترجیح می‌دهد. عین همین موضع تفسیری (که به نحو وثیقی با تأویل اسماعیلی مرتبط است) هم بر اناجیل پیاده می‌شود، هم بر قرآن و هم بر دیگر کتاب‌های مقدس.

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

اخوان الصفا چنین فرض می‌کنند که «اهل تورات، اهل اناجیل و اهل قرآن» احکام، قواعد و حکایت‌های مختلفی دارند، اما این‌ها همه اشارات نمادینی هستند تا روح را به یاد مبداء و معاد بیندازند.

در رسائل اشارت‌های متعددی به اناجیل وجود دارد، و نیز نقل قول‌هایی چند از گفته‌های عیسی: برخی مستقیماً از اناجیل نقل شده‌اند، برخی دیگر یادآور آن نقل قول‌هاست (از جمله نقل قول از اناجیل تحریف شده)، برخی دیگر موافق روایت قرآنی از عیسی است، و نهایتاً گفته‌های دیگر قابل ردیابی در منابع مسیحی موجود نیست. از این گذشته، گفته می‌شود که تلاوت آیه‌ای از اناجیل در موقع خطر آدمی را حفظ می‌کند، چنان‌چه آیه‌ای از قرآن یا تورات چنین می‌کند.

**عیسی:** عیسی به نحوی برجسته در رسائل هم‌چون یکی از اسوه‌هایی که تجسم نظریات اخوان الصفا ست، ترسیم شده است، نظریات آن‌ها در باب: باور به جاودانگی روح و تهذیب نفس از امور مادی از طریق قطع تعلق از قلمرو جسمانی. به زندگی، تعالیم، مرگ و به صلیب کشیده شدن عیسی در ربط و نسبت‌اش با همین جهت ارجاع داده می‌شود. در برخی موقعیت‌ها نویسندگان رسائل به گفته‌های عیسی در کنار دیگران، مانند محمد و سقراط ارجاع می‌دهند. در رسائل به استفاده‌ی عیسی از حکایات، در راستای فهم اخوان الصفا از زبان دین نگریسته می‌شود: فهم زبان دین به منزله‌ی زبانی اساساً مجازی و نمادین. حیات عیسی، اساساً، بر اساس روایت‌های اناجیل است، و تعامل عیسی با حواریون، و نیز مواعظ او، معجزات، دستگیری، به صلیب کشیده شدن و بازخیزش همه و همه روایت شده است.

تفسیر اخوان الصفا از به صلیب کشیده شدن عیسی، به مراتب مهم‌ترین مولفه برای تاریخ روابط اسلامی-مسیحی است. برخلاف بیشتر مفسران مسلمان، که آیه‌ی ۱۵۷:۴ قرآن را این‌گونه معنی می‌کنند که کسی دیگر غیر از مسیح کشته شد، نویسندگان رسائل این را تأیید می‌کنند که عیسی بر فراز صلیب جان داد. با این حال، آن‌ها بر این نکته تأکید می‌کردند که این تنها جنبه‌ی ناسوتی و بشری

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

عیسی بود که به قتل رسید. فریبی که یهودیان به دام آن افتادند، و قرآن به آن ارجاع می‌دهد، این بود که آنان معتقدند بود حقیقتاً عیسی را کشته‌اند. اخوان الصفا منکر این نکته بودند، زیرا وجود لاهوتی و معنوی واقعی عیسی زنده بود، زیرا روح جاودانه است و کشته شدن نیست. دو نکته در این باب شایسته‌ی طرح است. نکته‌ی اول این که اصطلاحات ناسوت و لاهوت ریشه در بحث‌های مسیحی در باب الوهیت و بشریت شخص مسیح دارد، و به کار بردن آن‌ها در رسائل احتمالاً نشان‌گر تأثیرات نسطوری بر آنان است. دوم این که خوانش اخوان الصفا با دیگر نویسندگان اسماعیلی، مطابق است، نویسندگانی مانند ابو حاتم رازی که مشکلی ندارند به صلیب کشیده شدن بدن عیسی را بپذیرند، حادثه‌ای که در نظر آنان برجسته‌کننده‌ی برتری امر معنوی بر قلمرو فیزیکی است. اشاره به دو نکته‌ی دیگر، احساس قرابتی را که اخوان الصفا با عیسی داشتند برجسته می‌کند. نخست آن که عیسی هم‌چون شفا بخشی معنوی تصویر شده است که قادر است جان‌های بیمار را که نسبت به حقایق معنوی کورند، شفا بخشد، و این همان هدف اعلام شده از تصنیف خود رسائل است. و نیز عیسی هم‌چون مبلغی تصویر شده است که روی کمک حواریان‌اش حساب می‌کند؛ به همین نحو، نویسندگان رسائل خود را جنبش پهناوری می‌بینند که دین و فلسفه را با یکدیگر سازگار می‌سازد، و این امر به کمک نظرگاهی صورت می‌پذیرد که به تعلیم و تعالی معنوی هم‌عصران خود اقدام می‌کند.

**مسیحیان:** اخوان الصفا، رویکرد راهبان مسیحی به این جهان را تحسین می‌کردند، رویکردی که از لذات دنیوی دوری می‌جوید و زندگی را وقف تأمل در باب جاودانگی روح می‌سازد. آنان به ستایش رهبانیت به عنوان «راهی مسیحی» می‌پرداختند، و به همان مقدار به تحسین زهد، تصوف، غور مکتب سقراطی در امور الهی، و دین حنفاء می‌پردازند. آنان فرد ایده‌آل را از جمله این‌گونه توصیف می‌کردند (توصیفی شامل سلسله‌خواصی مربوط به منطقه و گروهی خاص): «مسیحی در کردار، سوری در دلبستگی مذهبی». تردیدی نیست که اخوان الصفا مسیحیان را خیلی خوب می‌شناختند. از میان فرقه‌های مختلف مسیحی، به نسطوری، یعقوبی و ملکانی اشاره می‌کنند. به سلسله مراتب کلیسا این‌گونه ارجاع می‌دهند که متشکل از راهبان، کشیش‌ها، شماس‌ها - به ترتیب - مُطران [اسقف اعظم]، بطریک که مشخصاً کسانی هستند که در دوران جنگ نباید کشته شوند. اخوان الصفا هم‌چنین از محیط داخل کلیسا اطلاع داشتند و آن را این‌گونه توصیف کردند «با چراغ‌های شمع نورانی شده

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

است، با تصاویر آذین بسته شده، مالا مال از صلیب است، با کشیش‌ها و راهبانی که کسوتی از پشم درشت به تن داشتند» با تسمه‌هایی که دور کمرشان بسته شده بود، و با دست عودسوزها را می‌چرخاندند و «با بوی قسط و کندر» رائحه‌ی بخور در فضا می‌پراکند و کلماتی را در مدح خداوند برمی‌خواندند و «آوازگونه تکرار می‌کردند». تمام این توصیفات، در عالم خیال رویت شده است، که در آن «گروهی از اسقف‌ها با جام‌هایی پر از شراب» پدیدار می‌شوند، و در پارچه‌هایی قرص نان‌های مقدس را نگاه داشته‌اند «که برای مردم قسمت کرده‌اند و مردم از آن شراب می‌چشند».

**اعتقادات مسیحی:** گرچه رویکرد کلی اخوان الصفا به مسیحیان مثبت است، نقاط اعتقادی‌ای وجود دارد که آن‌ها آن را رد می‌کنند. از همین رو، آنان رویکرد آن دسته از راهبان را که در رنج و فلاکت در مسیر زهدورزی زیاده‌روی می‌کنند رد می‌کنند. باور به تثلیث (یا «سوم از سه‌گانه») گهگاه مورد انتقاد قرار گرفته است، هم‌چنان که خوردن گوشت خوک و عبادت صلیب مورد نقد قرار گرفته است. رسائل هم‌چنین کسانی را که عقیده دارند خدایشان روح القدسی بود که ناسوت‌اش توسط مسیحیان به صلیب کشیده شد، محکوم می‌کنند.

اهمیت اصلی رسائل برای روابط مسلمانان و مسیحیان در پذیرفتن جهانی بودن اناجیل و پیام عیسی از سوی اخوان الصفاست. از این گذشته، تفسیری که آنان از آیه‌ی قرآنی به صلیب کشیده شدن مسیح ارائه می‌دهند، با در نظر گرفتن فلسفه‌شان و نیز پذیرا بودن‌شان نسبت به مرگ واقعی و تاریخی عیسی، می‌تواند نشان‌گر زمینه‌ی مشترک پرثمری باشد که میان مسیحیت و اسلام، خصوصاً در تفاسیر باطنی‌تر این دو دین، وجود دارد.

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت)ی باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین‌طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.

کتاب‌نامه

برای کتاب‌نامه لطفاً به نسخه‌ی انگلیسی این مقاله مراجعه کنید.

ویراست انتقادی کاملی از ترجمه‌ی انگلیسی رسائل توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد با همکاری مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی با عنوان Epistles of the Brethren of Purity Series در حال انتشار است.

---

حق انتشار (کپی‌رایت) از ناشر مذکور گرفته شده است.

استفاده از مطالب منتشر شده در وب‌سایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به معنای پذیرش «شرایط استفاده‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی» است. هر نسخه‌ی مقاله باید حاوی همان نشان حق انتشار (کپی‌رایت) باشد که در روی صفحه ظاهر می‌شود و یا در هر مورد چاپ می‌شود. برای تمامی آثار منتشر شده بهتر است در نظر داشته باشید که هم از مؤلفان اصلی و همین طور از ناشران آنها برای استفاده مجدد از اطلاعات درخواست مجوز نمایید و همیشه مؤلفان و منبع اطلاعات را ذکر کنید.